

## دو قانون در مسیر کودتای آمریکایی

شیخ حشن  
بخش چهارم

امیر فیض - حقوقدان

### جمهوری اسلامی در کمیسیون حل اختلاف برجام

در بخش سوم این تحریر که به قانون جدید ویزای آمریکا تعلق داشت و ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر تضاد آن قانون با برجام مطرح شد، تحریر به آنجا رسید که مقام و مقصد جمهوری اسلامی از مخالفت قانون ویزای جدید آمریکا با برجام کجاست و چگونه ممکن است از قوه به فعل درآید و آیا ادعای جمهوری اسلامی قابل طرح در کمیسیون حل اختلاف برجام هست یا خیر؟

مقدمتا این یاد آوری بجاست که آقای ظریف و عراقچی گفته اند که چون قانون جدید ویزای آمریکا معارض حقوق ایران در برجام است ایران به کمیسیون حل اختلاف برجام رجوع خواهد کرد.

هرچند تا به امروز که حدود دو هفته از اعلام جمهوری اسلامی برای رجوع به کمیسیون حل اختلاف برجام میگذرد خبری در مورد مراجعه جمهوری اسلامی به کمیسیون حل اختلاف مزبور منتشر نشده و شاید هم بتوان خبر مزبور را در کنار انبوه قول های جمهوری اسلامی که هرگز به عمل در نیامده قرارداد ولی بهر حال:

تحقیق حقوقی، در مسیر حق و تشخیص مبنای و تحقق آن است نه بر صیغه اراده افراد مدعی حق

### دودعوا

هم اکنون که این تحریر در مقام تنظیم است دودعوا در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

یکی ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه قانون جدید ویزای آمریکا مغایر برجام است و جمهوری اسلامی خواهان رجوع به کمیسیون حل اختلاف در برجام میباشد.

دوم - موضوع موشک عماد و آزمایش موشک قدر که آمریکاییها آنرا خلاف قطعنامه ۲۲۳۱ میدانند.

سمت این تحریر و احتمالا پی آمد آن نگاهی به ابعاد حقوقی دعاوی مزبور است.

### ابعاد حقوقی دعوی قانون جدید ویزا

ادعوا و ادخواهی جمهوری اسلامی که در بخش سوم این تحریر عنوان شد در فاز حل اختلاف توافقنامه برجام قابل بررسی است و سروکار این تحریر هم با همان فصل حل اختلاف برجام است.

موضوع بیسابقه و یا لاقبل کم سابقه، مراحل دادخواهی طرفین برجام است. به اتفاق به مراحل مزبور نگاه میکنیم.

**مرحله نخست** - کمیسیون مشترک است. در این مرحله کمیسיוنی از طرفین تشکیل تا موضوع راجع و فصل کنند. برجام به کمیسیون مزبور که از مقامات پائین مدعی و مدعی علیه تشکیل میشود اهمیت چندانی نداده است و اگر در کمیسیون مشترک در مدت ۵ روز توافق و رضایت انجام نشد، موضوع به مرحله دوم ارجاع میشود.

**مرحله دوم** - اگر هر یک از طرفین اختلاف معتقد به پایان اختلاف نباشند موضوع به وزرای خارجه ارجاع میگردد تا ظرف ۱۵ روز اظهار نظر کنند. در صورتی که نظریه وزرا مورد تائید و رضایت طرف شاکی و یا مدعی قرار گیرد موضوع مختومه است و در صورتی که عضو شاکی و یا مدعی با نظروزی امور خارجه طرف موافق نباشد قضیه به مرحله آخر ارجاع میگردد.

**مرحله سوم** - در صورتی که کشور مدعی و یا شاکی با نظروزی امور خارجه کشور طرف موافق نباشد میتواند موضوع رابه شورای امنیت سازمان ملل ارجاع کند.

**مرحله بینابین** - یک مرحله ای هم در فصل حل اختلاف برجام پیاده شده که ان این است.

کشور شاکی و یا مدعی میتواند بجای طی مرحله دوم یعنی ارجاع موضوع به وزیران میتواند درخواست ارجاع موضوع به هیئت مشورتی را بنماید هیئت مشورتی که متشکل از سه عضو که از هر طرف یکنفر و نفر سوم بیطرف باشد\* موضوع را مورد رسیدگی قرار میدهد نظریه هیئت مزبور برای طرفین جنبه توصیه داشته و الزام آور نیست و مدت اقتدار هیئت مشورتی هم ۱۵ روز میباشد. اگر نظر هیئت مشورتی مورد قبول و رضایت طرف مدعی و شاکی قرار نگرفت کمیسیون مشترک (مرحله نخست) ظرف ۵ روز باهدف فیصله دادن به اختلاف وارد موضوع میشود و در صورتی که کماکان مدعی معتقد باشد که موضوع، مصادق عدم پایبندی اساسی میباشد آنگاه طرف مدعی میتواند به شورای امنیت سازمان ملل متحد رجوع کند.

\*- سابقه داورى با سرداور بیطرف در حقوق بین الملل بیشتر چنین است که در دعاوی که یکطرف آن آمریکا باشد سرداور همواره از سوی آمریکا و یا از طرفداران آمریکا مامور میشود نمونه برجسته آن اجرای قرار داورى در دعاوی آمریکا و ایران در دادگاه لاهه است که دادگاه قرار داورى صادر کرد و آمریکا توانست رئیس دیوان کشور هلند را به عنوان داور سوم وارد معرکه کند که چون داوران ایرانی با انتخاب و دخالت آمریکا مخالفت کردند دولت آمریکا از جمهوری اسلامی که آنوقت میرحسین موسوی نقش امروز شیخ حسن را در حفظ منافع آمریکا عهده دار بود، تقاضای عزل داوران ایرانی را کرد که موسوی هم آنها را عزل کرد (مشروح در تحریر خسارت گروگانهای سفارت آمریکا).

بنابراین سابقه مزبور و سوابق دیگر نشان میدهد که در هر دعوائی که یکطرف آن آمریکا باشد و موضوع به داورى با شرط داور بیطرف سومى مختوم گردد شرط مزبور موضوع را بنفع آمریکا ختم خواهد ساخت.

## مسیری را که جمهوری اسلامی طی کرده است

\*- از اخبار منتشره برنمیآید که جمهوری اسلامی مرحله اول شکایت خود را که تشکیل کمیسیون مشترک است، طی کرده که به مرحله دوم که رجوع به وزیر خارجه آمریکا است وارد شده است تنها خبرهای در دست بر این قرار است که سخنگوی وزیر خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد چپس از ۱۰ روز مذاکرات فشرده وسخت وزیر امور خارجه و تیم هسته ای با طرف های آمریکایی و اروپایی در نیویورک، جان کری وزیر امور خارجه آمریکا نامه ای به وزارت خارجه جمهوری اسلامی ارسال داشته و اطمینان داده که قانون جدید ویزا به منافع مشروع جمهوری اسلامی لطمه ای نخواهد زد > و این نامه همان است که معاون وزیر امور خارجه و سرپرست تیم مذاکره کننده ایران از آن بنام تضمین محکم و کافی یاد کرده است.

بهر روی اعم از آنکه مذاکره ۱۰ روزه جمهوری اسلامی به جایگزینی کمیسیون مشترک گرفته شود یا خیر از آنجا که معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی نامه کری را تضمین کافی و محکم در مقابل ابهام و اعتراض جمهوری اسلامی به قانون جدید ویزا دانسته است مفهوم جریان مزبور بر پایان یافتن و تامین رضایت جمهوری اسلامی حکایت دارد و دعوا و ادعای مزبور به اعتبار نامه وزیر خارجه آمریکا که در حد صلاحیت مرحله دوم رسیدگی به اختلاف ناشیه از برجام صادر شده است مختومه بنظر میرسد و اگر جمهوری اسلامی دخالت آقای عراقچی و اظهارات او را در تامین رضایت کافی بودن ضمانت آمریکا خارج از صلاحیت او بداند (همانطور که در بخش سوم تحریر عرض شد مادام که عراقچی در مقام معاونت وزارت خارجه آمریکا است رد اظهارات او مبنی بر کافی بودن نامه کری مقبول نخواهد شد) میتواند به شورای امنیت یعنی به مرحله آخر رجوع کند که در آنجا جمهوری اسلامی فاقد رای و ریش و قیچی دست آمریکاست.

### دو توجه مهم

توجه اول اینکه هر موضوع و اختلافی قابل ارجاع به کمیسیون رفع اختلاف و طی مراحل آن نیست بلکه به صراحت بخش حل اختلاف برجام موضوعات اساسی میتواند مصداق عدم پایبندی اساسی باشد (عین عبارت برجام با خط تاکید در مرحله بینا بین این تحریر آورده شده است).

میتوان این نتیجه را پیشاپیش ارائه داد که ادعای جمهوری اسلامی در مورد تاثیر قانون جدید ویزای آمریکا بر اقتصاد ایران و یا صنعت توریستی از موضوعات اساسی که مصداق عدم پایبندی به برجام باشد نیست.

### توجه دوم

نامه جان کری به وزیر خارجه جمهوری اسلامی میتواند از نظر حقوقی با تعبیر و تفاسیری مواجه شود ولی این نکته قابل توجه است که نامه کری به وزیر خارجه جمهوری اسلامی در رابطه با ماده ۲۹ برجام و از اعتبار آن موافقت نامه میتواند برخوردار باشد. در برجام آمده است:

> اتحادیه اروپا و دول عضو و همچنین ایالات متحده منطبق با قوانین خود (۱) از هرگونه سیاست باهدف خاص تاثیر گذاری خصمانه و مستقیم (۲) بر عادی سازی تجارت و روابط اقتصادی با ایران در تعارض با تعهداتشان مبنی بر عدم اخلال در اجرای موفقیت آمیز این برجام خودداری خواهند کرد.

(1) - برجام از آمریکا و اتحادیه اروپا نخواست است از وضع قوانینی که ممکن است در اقتصاد و تجارت ایران اثرگذار باشد، خودداری کند بلکه اگر آن قانون باهدف خاص تاثیرگذاری منفی بر عادی سازی تجارت و روابط اقتصادی با ایران باشد باید خودداری کند.

یعنی جمهوری اسلامی باید ثابت کند که قانون جدید ویزا باهدف خاص تاثیرگذاری منفی بر اقتصاد و صنعت توریستی ایران تصویب شده و به عبارت دیگر باید ثابت کند که سوء نیت آمریکا نسبت به اقتصاد جمهوری اسلامی زیربنا و قصد از وضع قانون بوده است. امری که بسیار، بسیار دشوار خاصه که نامه کری و اظهار رضایت و ارزیابی نامه مزبور بعنوان یک تضمین کامل و محکم اساسا سالب ورود کمیسیون حل اختلاف و یا شورای امنیت به ادعای جمهوری اسلامی است.

(۲) - عبارت شرطی <هرگونه سیاست باهدف خاص تاثیرگذاری خصمانه و مستقیم> در ماده ۲۹ برجام، که اثبات آن بر عهده جمهوری اسلامی است هفت خوانی است که عبور از آن در مراحل قضائی بسیار بسیار دشوار و بل غیر ممکن است آنهم در حالیکه طرف آن آمریکا باشد.

اثبات هدف خاص در سیاست آمریکا - اثبات خصمانه بودن آن سیاست - و رابطه آن بطور مستقیم با منافع ایران همانند ظرفهای قشنگی است که محتوای آن خالی است.

ماده ۲۹ برجام از محتوایی برخوردار است که با توافق ایران، دست آمریکا را برای هر اقدام باز میگذارد و متقابلا، اثبات مراتبی را بر عهده ایران نهاده است که ایران و یا هر کشوری قادر به عبور از آن نیست.

اینجاست که معلوم میشود هیئت ایرانی مذاکره کننده تاچه حد در مقابل آمریکا نفس گریز بون بوده است که حتی در تعدیل نسبی ماده ۲۹ هم کوچکترین توجهی نداشته است. بنابراین شهودی که در تحریر (خسارت گروگان های سفارت آمریکا) ارائه گردید <تیم ایرانی اصلا نفهمیده که چه امضا کرده است>.

شرط رابطه مستقیم در ماده مزبور از آن چاه های ویل بدون پایان است مشکل این عبارت در این است که هر رویداد و آثاری که از قانون جدید ویزا و یاهر قانون و تصمیم آمریکا متوجه اقتصاد و تجارت ایران بشود اگر مستقیم نباشد شامل ماده ۲۹ برجام نمیشود یعنی تبعات یک قانون و آثاری که آن قانون غیر مستقیم متوجه ایران میسازد مشمول ماده مذکور نمیگردد و از آنجا که هر چیزی در هر شکل و موقعیت و منافع و ضرر دارای آثار تبعی و غیر مستقیمی هست که ممکن است حتی تاثیر مستقیم را تحت الشعاع قرار میدهد لذا همین عبارت ساده (رابطه مستقیم) در مقابل ایران سدی را بوجود میآورد که عبور از آن ممکن نیست.

بد نیست بدانید که شیخ حسن درباره سدی که حضور آن توضیح شده چه برداشتی دارد؛ او گفته است:

<ملت باید بداند که جهان استکبار زنجیرهایی روی پای حرکت اقتصادی ایران عزیز بسته بود و برجام به معنای شکستن همه آنهاست>.

## نقش کلمات در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی

اساسا مسئولین جمهوری اسلامی به اعتبار تعلیمات مذهبی و فقهی اعتباری که برای لغات و عبارات مذهبی قائل هستند نسبت به مسائل سیاسی و حقوق بین الملل قائل نیستند، چنانکه شیخ حسن عدم رضایت و ناراحتی خود از بحث روی کلمات برجام را نتوانست کتمان کند و گفت:

> عده ای روی کلمات برجام پرافتخار که من بعدها روی آن صحبت خواهم کرد بحث میکنند من نخواهم گذاشت عده ای افراطی امید مردم را ناامید کنند.

کلمات است که وقتی بکار گرفته شد وبصورت سند درآمد محصول آن ذلت و خواری و یا سرافرازی و پیروزی و یا اسارت و شکست است و چقدر این ادعای شیخ حسن در مورد برجام خام و پوسیده و بی رمق است که گفته است:

> هیچکس نمیتواند در طول تاریخ بگوید برجام منطبق با عظمت و عزت ملت ایران نیست > آقای جلیلی درمندی گفته است < در برجام از ۱۰۰ حق مسلم محروم شده ایم > همه آن محرومیت ها در قواره کلمات، محرومیت ایران را از حق مسلم ایران به تفسیر آورده است.

موضوع راستی آزمائی ۲۵ ساله در برجام، سه یا چهار کلمه نیست ولی بار حقوقی آن ۲۵ سال اسارت است؟ باری که با جنگ و کشتار و ویرانی هم قابل تحمیل به ایران نبود؟ بادوسه کلمه و امضای جمهوری اسلامی رسمی شده است؟ تمام شهادتین دویاسه کلمه است حاصل آن تمایز بین کفر و اسلام است - خلیج فارس دو کلمه است حذف یکی ایجاد کننده یک دنیا مکافات است آنقدر شیخ نفهم ندیده بودیم که نسبت به کلمات تا این حد غریبه باشد.

## زجر آورترین محکومیت ها

زجر آورترین محکومیتها آن است که انسان حق داشته باشد، سند حقانیت هم داشته باشد ولی سندش امضای طرف را نداشته باشد و یا عبارات سند، حرکت حق رامیسرنمیسازد.

در کمال تاسف ایران در جریان برجام و موافقتنامه ژنو با سندی مواجه است که کلمات و عبارات آن مانع ظهور حق ایران میشود از باب نمونه در موافقتنامه ژنو جمهوری اسلامی متعهد به درک و رعایت و اجرای درک کشورهای ۱+۵ شده است یا در برجام متعهد به قبول ۲۵ سال راستی آزمائی گردیده اینها نمونه هائی است که مانع ادامه حیات حقوقی و سیاسی ایران میشود که شده است.

## جرایش مهم است

مسئولین جمهوری اسلامی بطور قطع آنطور نیست که در معاملات شخصی خود به مفاهیم عبارات و واژه ها توجه نداشته باشند این بی توجهی و سرسری گرفتن مهمات ایران و توافقتنامه ها از این جهت است که آنها به مسائل میهنی و ملی به حکم اسلام و تشیع اهمیتی نمیدهند و اساسا کشوری بنام ایران و ملتی را بنام ملت ایران نمیشناسند و لاجرم برای چیزی که وجود ندارد نمیتوان قائل به حق شد.

توقع و اعتراض ما به اینکه مسئولین غاصب حکومت ایران سبب تزییع حقوق ایران شده و میشوند توقع عاقلانه نیست بلکه توقع ناشی از علاقه ما به ایران است و الا عقل اجازه نمیدهد از کسی که قائل به ایران و ایرانیست و حقوق مردم نیست، انتظاری خلاف باور آنها داشت. آنها به اسلام فکر میکنند و توافقتنامه ژنو و یا برجام محدودیت و یا تزییعی برای اسلام ایجاد نمیکند.

\*\*\*

موضوع موشک عباد و قدر به تحریر